

صفویه - ایران - دلیجان

سید محمد حسین رضایی

منبع: <http://iichs.org>

مقدمه

دوره صفوی بدون شك از ادوار بسیار پرفراز و نشیب در تاریخ ایران به شمار می رود و به آن دوره تضادهای مدیریتی می توان گفت زیرا این دوره شاهد ظهور پادشاهان با لیاقت و مدیری چون شاه اسماعیل و شاه طهماسب و شاه عباس از نظر مملکت داری و دوراندیشی از يك سو و بی لیاقتی و بی محتوایی شاه سلطان حسین آخرین پادشاه صفوی از سوی دیگر بوده است.

جنگهای بزرگ، پیروزیها و شکستها که هر کدام سرنوشت آینده ایران را رقم زدند در این دوره اتفاق افتاد و مذهب تشیع از این زمان پای گرفت.

با توجه به سیاست صفویه و اینکه ایشان منصوب به امام موسی کاظم (ع) بودند و هدف آنان بزرگی و اقتدار شیعه بود از این رو به کلیه سادات احترام می گذاشتند آنان را در جایگاههای رفیع مذهبی و گاهی سیاسی می نشانند تا بدین وسیله ارادت خود را به ائمه اطهار علیهم السلام نشان دهند. و گاهی برای آنان تیولهای وسیع در کشور قرار می دادند و حقوق بسیار بالا از خزانه دولت برای آنان در نظر می گرفتند که در دلیجان سیدجلال الدین مهدی جد سادات دلیجان از این افراد بود که منسوب به خانواده صفوی هم می باشد مشمول الطاف شاهی قرار گرفت.

شاه اسماعیل صفوی در سال ۸۹۲ در اردبیل در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد پدرش شیخ حیدر و پدربزرگش شیخ جنید از شیوخ اهل تصوف و از حکام محلی بودند که اجدادشان سالها به واسطه اینکه بزرگ آن منطقه بودند در آن ناحیه حکمرانی می کردند لذا حکومت محلی در سال ۹۱۴ در سن ۲۲ سالگی به شاه اسماعیل رسید و او با تدبیر و دوراندیشی که داشت حکومت خود را تا تبریز و قزوین سپس تا گیلان و مازندران و خراسان وسعت بخشید و خود را شاه ایران اعلام کرد. در زمان شاه اسماعیل بزرگترین و خونخوارترین دشمن صفوی سلاطین عثمانی برای سرکوب حکومت شیعی اقدام کردند و در شمال شرق ایران ازبکان وارد ایران شدند و جنگهای خونین درگرفت. اما به لطف خداوند همه اینها باعث استحکام بیشتر حکومت صفوی گردید. شیبک خان ازبک توسط شاه اسماعیل کشته شد و تا مدت ها فتنه ازبکان خاموش شد اما واقعه چالدران در سال ۹۲۰ تیری بود بر قلب ایرانیان و شکست در این جنگ نقطه تاریکی شد برای خاندان صفوی که شرح جزئیات آن در این مقال نمی گنجد.

دلیجان در عهد شاه اسماعیل

با توجه به موارد فوق الذکر بزرگان دلیجان که عمدتاً از سادات بودند دارای موقعیت خاصی شده اند. در اوایل این دوره که ۱۰٪ از کل دوره سلطنت پادشاهی در کشور ایران را شامل می شود یعنی حدود ۲۵۰ سال، شاه اسماعیل صفوی در سالهای ۹۱۶ و ۹۱۷ دو فقره نشان شاهی به مرحوم سیدجلال الدین مهدی اعطاء کرده که اختیارات محوله در این اسناد نشان از موقعیت ممتاز نامبرده در خانواده صفوی دارد زیرا چنین اسنادی به افرادی واگذار شده که

کارهای بسیار بزرگ برای کشور انجام داده باشند یا در جنگها از خود دلاوریهای زیادی نشان داده باشند که البته مورد اخیر نمی تواند صحیح باشد زیرا تیولی با این وسعت به بزرگترین جنگاوران هم داده نمی شد، فقط به منسوبین به خانواده سلطنتی و بزرگان داده می شده است. دلجان در شروع دوران صفویان وسعت فعلی را نداشته و بیشتر ساکنان آن را سادات منسوب به فرزندان امام محمدتقی(ع) که ابتدا از مدینه به دربار مامون برای دیدن برادر یا پدرشان حضرت امام رضا آمدند سپس در مشهد و پس از رحلت حضرت امام رضا (ع) به دلیل بدرفتاری خلیفه در سراسر ایران پراکنده شدند از جمله در روستای تکیه از توابع شهرستان نطنز که مدفن سیدجلال الدین مهدی ۱۷ نسل قبل از سیدجلال الدین مهدی مورد بحث در اسناد صفویه که جد سادات فعلی دلجان می باشد که البته تعدادی از این افراد هم بعدها به کشورهای مختلف دنیا و شهرهای مختلف ایران مهاجرت کردند اما هنوز هم که هنوز است همگی در ظل الطاف مرحوم حضرت ولی عصر (عج) و دعای خیر ائمه اطهار در کارهای دنیوی و اخروی موفق هستند.

ارتحال سیدجلال الدین مهدی طبق اسناد و مدارک موجود بین سالهای ۹۳۰ تا ۹۵۰ قمری تخمین زده می شود. در دوران شاه اسماعیل دلجان دارای باغها و مزارع بزرگ زیادی بوده و دارای قناتهای زیاد جهت آبیاری این مزارع بوده است جدا از اینها رودخانه اناربار قم هم که یکی از منابع تأمین کننده کشاورزی و آب شرب اهالی دلجان بوده است و روستاهای توابع دلجان نیز از این منابع آبی در امور کشاورزی استفاده های شایانی به عمل آورده و می آورند.

قناتهایی که در داخل دلجان جاری بودند عبارتند از قنات علایی و بهریار یا بریار و قناتهای خارج از شهر قنات جرجش و قنات کهریزنو می باشند که هم اکنون قناتهای مذکور به جز قنات علایی که به علت ساخت و ساز بی رویه و ورود فاضلابها آسیب کلی دیده بقیه هنوز مورد استفاده عموم کشاورزان حومه شهر است.

اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران در زمان شاه طهماسب صفوی شاه طهماسب صفوی در سال ۹۱۹ قمری يك سال قبل از جنگ چالدران به دنیا آمد در حدود سال ۹۳۰ قمری پس از مرگ شاه اسماعیل به تخت سلطنت جلوس کرد در آن سال فقط حدود ۱۱ سال سن داشت که همین مسئله باعث شد که سران قزلباش در داخل و دشمنان دیرینه ایران (ازبکان و عثمانیان) از خارج زمینه را برای براندازی حکومت صفویان مناسب ببینند و هر يك سودایی در سر پیروانند و قسمتهای مختلف کشور را به آشوب بکشاند. در خراسان ازبکان وارد خاک ایران شوند و در ناحیه تربت جام جنگ سختی شروع شد که در نهایت شاه صفوی با سن کمی که داشت با توجه به افراد مجربی که مشاور او بودند در این جنگها پیروز شد.

سلطان سلیمان خان عثمانی که جوانی شاه را دید و این که او سرگرم جنگ ازبکان است از غرب به ایران حمله کرد تا تاج و تخت صفوی را سرنگون و تصاحب کند اما شاه صفوی با وجود تمام این خطرهای ایران را نجات داد و حکومت صفوی را تا دویست سال بعد از خود تثبیت کرد.

سالهای اول حکومت شاه صفوی به سرکوبی مخالفان و شورشیان گذشت تنها در ۲۰ سال آخر عمر او روی آرامش دید. دوران حکومت این پادشاه به علت طولانی بودن (۵۴ سال) مقارن بود با شخصیتهای مهم سیاسی کشورهای اروپایی که در تاریخ کشور خود سهم بسزایی داشتند و بسیار صاحب نام بودند حال به هر دلیلی (شجاعت- خیانت -

درنده خو بودن) در انگستان هانری هشتم و دخترش ملکه الیزابت همعصر شاه طهماسب بودند. در فرانسه فرانسوای اول، در آلمان و اطریش و مجارستان و اسپانیا که همگی در آن زمان يك کشور بودند شارلکن که از پادشاهان معروف اروپایی است حکومت داشت و در روسیه ایوان چهارم و به دلیل سبعتی که داشت او را ایوان مخوف می نامیدند. در کشور عثمانی در سال ۹۲۶ قمری هم به دنبال مرگ سلطان سلیم دشمن دیرینه صفویه فرزندش سلطان سلیمان خان قانونی به سلطنت رسید که تقریباً همزمان با شروع سلطنت شاه طهماسب (چهار سال جلوتر) می باشد. سلطان سلیمان را به این دلیل قانونی می خواندند که قوانین و مقررات نوین بسیاری در خصوص مملکت داری، لشکرکشی و نظامی گری و دینداری تدوین کرد. سلطان سلیمان بعدها کلیه کشورهای فوق الذکر بجز روسیه را توانست به خاک عثمانی ملحق کند و فصل جدیدی در تاریخ عثمانی بگشاید. سلطان سلیمان مهمترین رقیب شاه طهماسب صفوی بود فردی که با آن اقتدار تقریباً تمام اروپا را فتح کرد روایت می کنند که از ترس حمله قزلباشان گاهی شب تا به صبح را روی زمین اسب می گذراند.

دوران شاه طهماسب صفوی یکی از دوران های بسیار درخشان کشور ایران از نظر سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و مذهبی است. شاه صفوی شاه بسیار متدین و دینداری بود و اصول شرع اسلام را به شدت رعایت می کرد به طوری که گاهی به افراط کشیده می شد. در زمان او هیچ کس حق شرب خمر نداشت و در صورت ارتکاب در مورد خاطی حد جاری می کردند. در زمان زمامداری شاه طهماسب ایران در اوج اقتدار اقتصادی بود و مردم بسیار ثروتمند بودند و کمتر فقیر در کشور دیده می شد. در مسافرتها می که سفرای ایران به کشورهای مختلف داشتند خدمه و ملازمین رکاب ایرانیان جلب نظر همه را می کرد زیرا این افراد با لباس های بسیار فاخر بر مرکبهای بسیار گران قیمت سوار شده از خیابانهای شهر عبور می کردند و تحفه هایی که برای پادشاه می بردند چشم همه را خیره می کرد و در کنار آن تحفه شاهان دیگر اصلاً مورد توجه قرار نمی گرفت.

علت مرفه بودن و مناسب بودن وضع مالی مردم بیشتر مربوط به ۲۰ سال آخر عمر شاه صفوی است که جنگی در پیش نبود و درآمدهای دولت خرج کشور می شد و از مردم مالیات کمتری گرفته می شد و کلیه عایدی دولت خرج مردم می شد. شاه صفوی در عین داشتن پیروزیهای سیاسی در تاریخ سلطنت خود دچار مسائل و مشکلات خانوادگی و عاطفی زیادی بود از جمله رفتن برادرش القاس میرزا به دربار عثمانی و سرکشی پسرش اسماعیل میرزا (شاه اسماعیل دوم) روح و خاطر شاه را پریشان و آزرده نمود. شاه طهماسب ازدواجهای متعددی داشت و ثمره زندگی او ۱۲ پسر و ۷ دختر بود که تعدادی از پسران او توسط شاه اسماعیل دوم کشته شدند و بقیه بجز سلطان محمد فوت کردند .

اوضاع شهرستان دلیجان در زمان سلطنت شاه طهماسب صفوی باتوجه به نظر خاص صفویه به سادات خصوصاً سیدجلال الدین مهدی که هم مسلک ایشان هم بودند و این که ایشان اهل دلیجان بودند این ارتباط و دوستی منشا خیر و برکات زیادی برای دلیجان و اهالی آن شده است. شاه طهماسب در زمان حکومت خود تیول فرزندان سید جلال الدین مهدی را وسعت بخشید و با ایشان رابطه بسیار نزدیکی داشت. این طور که در اسناد باقیمانده ذکر شده قسمت عمده عراق عجم را به ایشان هبه کرده است و در شهر دلیجان به دستور مستقیم شاه قنات علایی احداث شده که هزینه آن را چهارده تومان که به پول فعلی (۴۲۰/۰۰۰/۰۰۰) تومان

(چهارصد و بیست میلیون تومان) می شود که این قنات تمامی باغات و عمده کشاورزی شهر را مشروب می ساخته این آب هم اکنون هم به مصرف کشاورزی می رسد. از زمان صفویه تعداد کمی بنا در دلیجان و اطراف باقیمانده از جمله کاروانسرای دودک که سالم است و قلعه نشست آباد که مخروبه شده و چیز زیادی از آن باقی نمانده و علت عدم وجود بناهای تاریخی در دلیجان در حاله ای از ابهام است که به چه دلیل شهری با این موقعیت و اهمیت سوق الجیشی که شاهراه کشور است و تمام راههای مواصلاتی از آن می گذرد بناهای تاریخی کم دارد که بنده همین موقعیت شاهراه بودن را سبب این مسئله می دانم که هرچند سال یک بار بناهای قبلی مرمت یا خراب می شده و تجدید شده است .

از خوانندگان عزیز درخواست دارم هرگونه اطلاعاتی در این مورد دارند در اختیار حقیر یا مرکز پژوهشکده تاریخ معاصر ایران قرار دهند.

در زمان سلطنت سلطان محمد خداپنده و شاه عباس با توجه به تأییدیه ای که در ظهر سند مورخ ۹۱۶ وجود دارد تمام مفاد سند مورد تأکید قرار گرفته است و چیزی به آن اضافه نشده. در دوره سلطنت شاه صفی اول پسر شاه عباس کبیر در سند به شهادت عده ای از سادات که از منسوبین سید جلال الدین بوده اند که احتمالاً در جنگ با پرتغالیها بر سر تصرف جزایر جنوبی ایران بوده ضمن اهداء سند با تأیید و نیز توشیح شاه در بالای آن تغییری ایجاد شده بدین ترتیب که مبلغ ماهیانه به ۱۴ تومان (چهارده هزار دینار) تغییر پیدا کرده و در آن اشاره به قنات علایی شده که منظور شاه عمران و آبادانی بیشتر در دلیجان می باشد. قابل ذکر است که در این دوره هم دلیجان مورد حمایت شاه بوده و بر پیشرفت آن تکیه شده است.